



انترناسیونال

۲۶۱

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۲ شهریور ۱۳۸۷، ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۸

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

اعتراضات معلمان آغاز می شود

صفحه ۹

احمدی نژاد جنایتکار است! باید دستگیر و محاکمه شود!

صفحه ۳

به حزب پیوندید! پیام حمید تقوایی بمناسبت آغاز سال تحصیلی

آغاز سال تحصیلی آغاز دور تازه ای از مبارزه است. مبارزه علیه دخالت مذهب در سیستم آموزشی، اعتراض علیه آپارتاید و جداسازی جنسی در دانشگاهها و در جامعه، مبارزه برای آزادی دانشجویان و معلمان در بند و برای آزادی کل زندانیان سیاسی، و اعتراض علیه فقر و گرانی و سرکوب و بی حقوقی که در جامعه بیداد میکند.

میلیونها دانش آموز و دانشجو و معلم قدم به میدان میگذارند تا کیفرخواست کل مردم علیه جمهوری اسلامی را با صدای بلند اعلام کنند و مانند هر سال پرچم "آزادی برابری و هویت انسانی" را در برابر حکومت غارت و جنایت جمهوری اسلامی برافرازند. اعتراض نسل جوان انعکاس اعتراض کل جامعه است. اکثریت عظیم مردم حکومت اسلامی را نمیخواهند. اعتراضات و اعتصابات رو به گسترش کارگران، مقاومت وقفه ناپذیر زنان علیه آپارتاید جنسی و قوانین بغایت ارتجاعی و ضد زن، و کلا اعتراض بخشهای مختلف جامعه در برابر فقر و فلاکت و گرانی و سرکوب را میتوان در یک شعار و خواست واحد بیان و اعلام کرد: "حکومت اسلامی نمیخواهیم، نمیخواهیم!" جنبش اعتراضی جوانان و دانشجویان این خواست عمیق توده های مردم را نمایندگی میکنند. بازگشائی مدارس زنگ تعرض مجدد این جنبش با قدرت و وسعتی بیش از گذشته است.

دانشجویان، معلمان، دانش آموزان!

پیشروی و پیروزی مبارزات مردم علیه حکومت اسلامی و مصائبی که به مردم تحمیل کرده است بدون حضور قدرتمند و رهبری یک حزب سیاسی رادیکال و پیگیر که خواست عمیق مردم برای رهایی از شر جمهوری اسلامی را نمایندگی کند ممکن نیست. این حزب وجود دارد! این حزب، حزب کمونیست کارگری است! حزب

صفحه ۳

تعرض دولتهای ارتجاعی

به نیروهای سازمان مجاهدین محکوم است!

مصاحبه تلویزیون انترناسیونال با حمید تقوایی در مورد تحویل قرارگاه مجاهدین بدولت عراق



مجاهدین به نیروهای عراقی انتقال داده شده و این مسئله نگرانی های بسیاری را در میان نیروهای مجاهدین موجب گشته است. آیا این نگرانی ها به جا است؟ نگرانی برای چیست؟!

صفحه ۲

واگذار شده است. می دانم که حزب کمونیست کارگری، فشار به اپوزیسیون ایرانی را از جانب هر رژیمی که صورت گرفته، محکوم کرده است. در این مورد معین همانطور که گفتم مسئله این است که کنترل مهم ترین قرارگاه

ناصر اصغری: حمید تقوایی به برنامه ما خوش آمدید. در اخبار چند روز گذشته آمده بود که کنترل قرارگاه اشرف (که مهم ترین قرارگاه مجاهدین خلق است) از دست آمریکایی ها درآمده و به نیروهای عراقی

پروژه "مخملی"

اکبر گنجی

شانسی برای پیروزی

ندارد!

صفحه ۱۰

علیه راسیسم،

علیه اسلام سیاسی

شهر کلن آلمان،

صحنه یک نبرد مهم اجتماعی و بین المللی

صفحه ۸

اطلاعیه در مورد

تحویل اردوگاه مجاهدین

به دولت عراق

صفحه ۹

صدای مردم در کانال جدید

برای جوانان اینجا حزب کمونیست کارگری خیلی پر شور و جالب و امیدوار کننده است مادر من در آن دنیا از حلقه آویزان میشود و اینجور بلا سرش میاورند؟! وای منم ممکن است که سوسک بشوم و مجازات بشوم؟ کی متحد نیست؟ حزب کمونیست کارگری یا جمهوری اسلامی؟ ما میوه و گوشت ارزان برای چی میخواهیم؟! هم جمهوری اسلامی را دیده ایم هم دموکراسی آمریکایی را!

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **تعرض دولتهای ارتجاعی...**

حمید تقوایی: بله، اینطور بنظر میسرید بین دولتها و نیروهای ارتجاعی بر سر نیروهای مجاهد معامله ای صورت گرفته است. و این مسئله کاملاً نگران کننده و از نظر ما محکوم است! همانطور که شما هم اشاره کردید، ما همیشه هر نوع تعرض به نیروهای اپوزیسیون را (علیرغم هر اختلاف نظری که با اپوزیسیون داشته باشیم) محکوم کرده ایم و معتقدیم که باید در مقابل این تعرضات ایستاد و اجازه نداد نیروهای مخالف جمهوری اسلامی تحت فشار قرار بگیرند. در این مورد بخصوص، همانطور که خود مجاهدین و نیروهای سیاسی دیگر خبر می دهند، بیش از سه هزار نفر امروز در قرارگاه اشرف اسیر هستند و تحویل این نیروها به دولت مالکی که می دانیم روابط خیلی نزدیکی با جمهوری اسلامی دارد و ممکن است آنها را به جمهوری اسلامی تحویل بدهد اقدامی است کاملاً ارتجاعی و ضد انسانی و از نظر ما محکوم است! باید جلو این تحرکات نیروهای ارتجاعی گرفته شود و به هیچ وجه نباید اجازه داد که چنین اتفاقی صورت بگیرد. بنظر من وظیفه همه نیروهای اپوزیسیون این است که یکصدا به این امر اعتراض کرده و آنرا محکوم کنند.

ناصر اصغری: همانطور که گفتید، بیش از سه هزار نفر در این اردوگاه تقریباً نیمه اسیر هستند! و حتی به خاطر می رسد که یکی از وزرای عراق هم اعتراف کرده بود که اطراف این اردوگاه را یک حلقه حفاظتی و یک حصار کشیده اند! بنظر شما چه آینده ای در انتظار اینهاست؟ آیا در این ارتباط می توان مسئولیتی را متوجه کشورهای اروپایی و آمریکا دانست؟

حمید تقوایی: بنظر من ابتدا باید دولت های اروپایی اینها را بعنوان اپوزیسیون جمهوری اسلامی برسمیت شناخته و قبول کنند که این عده باید بتوانند به هر کجا که می خواهند، پناهنده شوند! این بسیار روشن است که اینها اساساً جان و زندگی شان تحت تنظیمات نیروهای آمریکائی، دولت عراق و جمهوری اسلامی در خطر است و باید حق

داشته باشند به هر جا میخوانند پناهنده بشوند. اینها اسیر جنگی نیستند، اپوزیسیون یک حکومت فوق ارتجاعی و جنایتکار هستند و پناهندگی حق مسلم آنها است. باید با پناهندگی شان موافقت بشود تا بتوانند یک زندگی انسانی قابل تحملی داشته باشند! از نظر من، این حداقل چیزی است که باید در رابطه با این عده ای که آنجا اسیرند - و حتی خود دولت های غربی هم به اینها بعنوان اسیر نگاه می کنند - از این دولت ها مطالبه کرد! اینها، مستقل از مواضع و سیاست های رهبری مجاهدین، قربانی این شرایط هستند. تنها "جرم" شان این است که مخالف جمهوری اسلامی بوده اند و به همین دلیل، اولین اقدام این است که آنها باید فوراً از آن قرارگاه خارج شوند و به هر کجا که خودشان می خواهند، تقاضای پناهندگی بدهند و کشورهای مربوطه هم موظف اند که اینها را بپذیرند! در واقع، این حداقل وظیفه و انتظار از دولت های غربی است که اجازه بدهند اینها از عراق خارج شده و هر کجا که می خواهند ساکن شوند و حقوق شان هم برسمیت شناخته شود!

ناصر اصغری: حمید تقوایی، یک روزنامه رسمی عربستان سعودی گفته است که این شرایط در پی توافقاتی بوده که میان آمریکا و جمهوری اسلامی حاصل شده است! آیا این بدین معناست که آمریکا در کشاکش اش با جمهوری اسلامی از در سازش درآمده و دیگر به فکر حمله نظامی به ایران نیست؟! آیا این وضعیت حاصل یکسری زد و بندها بین ایران و آمریکا است؟ آیا می توان گفت که اساساً حاصل آن وضعیتی است که خود مجاهدین یک زمانی به پیشوازش می رفتند؟

حمید تقوایی: بنظر من، به احتمال زیاد این حاصل مذاکرات و توافقاتی است که میان سه محور آمریکا، دولت عراق و جمهوری اسلامی در حال جریان است! همیشه یکی از خواست های جمهوری اسلامی بصورت علنی این بوده است که باید این نیروهای مجاهد بعنوان تروریست محکوم شوند و به رژیم ایران تحویل داده شوند و غیره.

اکنون بنظر می رسد بر همین اساس توافقاتی صورت گرفته و به همین دلیل است که می بینیم آمریکا کنترل قرارگاه اشرف را به دولت عراق واگذار می کند. احتمالاً قدم بعدی شان هم این است که دولت عراق اینها را تحویل جمهوری اسلامی بدهد! این حرکت شروع شده و باید مقابله ایستاد. اما نکته مهم اینست که مستقل از اینکه پشت پرده توافقاتی صورت گرفته است یا نه باید صریحاً و قویاً خواست که اولاً این نیروها به هیچ وجه نباید به جمهوری اسلامی تحویل داده شوند و ثانیاً همانطور که گفتم بتوانند بعنوان پناهنده سیاسی به هر کشوری مایلند منتقل بشوند. دولت های غربی باید این امر را برسمیت بشناسند. حتی اگر اینها به جمهوری اسلامی تحویل داده نشوند وضعیت آنها بعنوان اسیر و یا نیمه اسیر در زیر دست نیروهای ارتجاعی در منطقه سخت و غیر انسانی است و باید زودتر به این وضعیت خاتمه داده شود. تاکید من اینست که مستقل از اینکه توافقاتی پشت پرده صورت گرفته است و یا این تصمیم خود دولت عراق و آمریکا است یا با جمهوری اسلامی زد و بندی داشته اند یا نداشته اند، مستقل از همه ی اینها، نفس این حرکتی که شروع شده با ابتدائی ترین معیارهای انسانی قابل پذیرش نیست و باید با آن مقابله شود.

اما راجع به نکته دیگری که اشاره کردید یعنی اینکه این وضعیت تا چه اندازه نشأت گرفته از شرایطی است که خود مجاهدین بوجود آورده اند، بنظر من متأسفانه باید گفت که این یکی از نتایج کاملاً قابل پیش بینی سیاست هایی است که مدتهاست رهبری مجاهد در پیش گرفته است و ما همیشه مخالف و منتقد این سیاستها بوده ایم و آنرا افشا کرده ایم. و هنوز هم موضع مان همین است! با اینحال این موضوع را به هیچ وجه نباید در اینجا بعنوان یک قید و شرط و تبصره ای وارد کرد! سیاست های رهبری مجاهدین هر چه بوده باشد، واقعیت این است که الآن زندگی بیش از سه هزار انسان در خطر است! باید کاملاً از اینها دفاع کرد و به هیچ وجه نباید اجازه داد که این نیروها به ایران بازگردانده شوند!

ناصر اصغری: بله، همانطور که اشاره کردید جمهوری اسلامی هم منتظر چنین فرصتی بوده و باصطلاح داندانش را تیز کرده است! از طرف برخی اعضایی که از اینها جدا شده اند، اظهار خوشحالی شده است که بالاخره کار اینها تمام است و به ایران بازگردانده می شوند! سئوالی که وجود دارد این است که چرا خود مجاهدین برای انتقال این نیروها تصمیمی نگرفته است؟ چرا چندین سال است که همینطور اینها را نگاه داشته و هیچ اقدامی در این جهت صورت نداده است؟!

حمید تقوایی: اینطور بنظر می رسد که بعد از حمله به عراق، کنترل این نیروها دیگر دست مجاهدین نبوده است و در واقع، کلاً تحت تنظیمات آمریکا و آن نیروهایی قرار داشته اند که در منطقه به قدرت رسیدند! از سوی دیگر رهبری مجاهد، حتی آن زمان که کنترلی بر این نیروها داشت، استراتژی اش را بر اساس نزدیکی به صدام و کمک گرفتن از دولت صدام قرار داده بود و بعد از سرنگونی صدام هم، سیاست شان بر این اساس استوار شد که بعنوان یک نیروی مسلح در سیاستهای آمریکا جایی برای خود پیدا کنند و دولت آمریکا روی شان حساب باز کند! همانطور که گفتم ما این سیاستها را همیشه مورد انتقاد قرار داده و افشا کرده ایم. و امروز متأسفانه این فجایعی که پیش می آید به یک معنا، نتیجه همان سیاست هاست! لذا، از این رهبری مجاهد این انتظار را داشتن که چرا قبل از این مسائل فکری نکرده و تلاش نداشته که چنین وضعیتی بوجود نیاید، متأسفانه انتظار ناپجایی است، چون سیاست هایی که پیش برده است، کاملاً عکس این بوده است!

با اینحال، اکنون که آن سیاست ها به جایی نرسیده اند و الآن که خود اینها و کسانی که سالهاست در اردوگاه اشرف زندگی می کنند، قربانی این قضایا شده اند، امروز باید تمام نیروهای انسانی و مترقی، همه نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی، از حق زندگی انسانی اینها دفاع کنند! نیروهای اپوزیسیون می توانند روی سیاست های مجاهدین هر انتقادی داشته باشند و بطور مشخص حزب ما همیشه از یک موضع رادیکال و انسانی

انتقادات عمیقی به سیاستهای مجاهدین داشته است و علناً مطرح کرده است. اما همه اینها نباید باعث شود تا نیروهای اپوزیسیون از حقوق انسانی کسانی که قربانی این شرایط هستند بی قید و شرط دفاع نکنند. سیاست ما این است و ما از همه نیروهای سیاسی اپوزیسیون هم می خواهیم که مستقل از هر انتقادی که نسبت به سیاست ها و رهبری مجاهدین دارند، از حقوق انسانی ای قربانیان دفاع کنند. به هیچ وجه نباید اجازه داد این افراد عملاً بعنوان اسیر جنگی در چنگال نیروهای ارتجاعی در عراق باقی بمانند و یا به جمهوری اسلامی تحویل داده شوند.

ناصر اصغری: شما بعنوان لیبر حزب کمونیست کارگری که بنظر می رسد امروز دیگر همگان این را قبول کرده اند که نیروی اصلی مخالف جمهوری اسلامی است و برنامه مشخصی هم دارد، چه راه حل را به رهبری مجاهدین پیشنهاد می کنید تا از این وضعیت خلاص شوند؟ پیشنهاد شما به آنها چیست؟

حمید تقوایی: شاید امروز دیگر نتوان برای رهبری مجاهد، سیاستی را توصیه کرد یا پیشنهادی را پیش رویشان گذاشت چون سیاستی را ادامه داده اند که به این وضعیت منجر شده است! با اینحال، امیدوارم امروز خودشان متوجه شده باشند که باید از حق برخوردار از یک زندگی انسانی برای کسانی که در اردوگاه اشرف اسیر هستند دفاع کرد. تا آنجا که اطلاع دارم دارند در دفاع از اینها یک پتیشن و طوماری جمع می کنند. این حرکت مثبتی است. در عین حال حزب ما مستقل از برخورد رهبری سازمان مجاهدین به این مساله موضع خودش را دارد که رئوس آنرا توضیح دادم.

ناصر اصغری: اما متأسفانه بر اساس اخباری که خوانده ام، ظاهراً موضوع خود کشی ها و خود سوزی ها هم در میان است! و ...

حمید تقوایی: این بنظر من سیاست کاملاً غلطی است! باید تعرض سیاسی کرد! باید یک کمپین و یک حرکت اعتراضی وسیعی را در مقابل این اقدامات و این سیاست های ارتجاعی دولت عراق در

احمدی نژاد جنایتکار است! باید دستگیر و محاکمه شود!

محمود احمدی نژاد قرار است در نیمه دوم سپتامبر وارد آمریکا شود و روز ۲۳ سپتامبر برای دومین بار در اجلاس سالانه سازمان ملل حضور یابد.

احمدی نژاد نماینده رژیم است که سه دهه سرکوب، جنایت و فقر و فلاکت برای کارگران و مردم زحمتکش ایران به ارمغان آورده است. احمدی نژاد و دیگر سران جمهوری اسلامی ایران قاتل دهها هزار نفر از مردم ایران اند. این رژیم اعدام و سنگسار و شکنجه است. مسئول کشتارهای سیاسی و نسل کشی گسترده در سال های ۶۰ و ۶۱، قتل عام چند هزار نفر از زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ و برپائی گورهای دسته جمعی اند. این رژیم آپارتاید جنسی و اعمال خشونت هر روزه علیه زنان است.

معنی به يك زندان بزرگ است. این رژیم و سرانش باید بعنوان نمایندگان سرکوب مردم از همه جا طرد شوند. هیچ دولت و مجمع بین المللی نباید این رژیم را بعنوان نماینده مردم ایران برسمیت بشناسد. این رژیم شایسته همان رفتاری است که مردم آزادیخواه دنیا با دولت نژادپرست آفریقای جنوبی کردند.

جمهوری اسلامی ایران باید از همه سازمان ها و مراجع بین المللی اخراج شود. کلیه روابط سیاسی، دیپلماتیک و فرهنگی با رژیم جمهوری اسلامی باید قطع گردد. احمدی نژاد و سایر سران جمهوری اسلامی ایران بخاطر جنایاتی که مرتکب شده اند باید دستگیر و برای محاکمه به دادگاه بین المللی سپرده شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران همه مردم، بویژه ایرانیان مقیم آمریکای شمالی را به اعتراض علیه جنایات جمهوری اسلامی و حضور احمدی نژاد در سازمان ملل فرا میخواند. به هر شکل که میتوانید از جمله با برپائی تظاهرات در مقابل محل حضور احمدی نژاد، صدای اعتراض مردم ایران علیه جنایتکاران حاکم بر ایران را رساتر کنید!

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ سپتامبر ۲۰۰۸

از صفحه ۲ تعرض دولتهای ارتجاعی ...

روابطش با جمهوری اسلامی براه انداخت. خود زنی، خود سوزی و خود کُشی راه حل نیست. اینها راهش نیست! بله، ممکن است اینها با آن فرهنگ سیاسی مذهبی مجاهد خوانایی داشته باشد اما راه حل این نیست. راه حل کسانی که در آنجا گرفتار شده اند این است که حمایت جهانی را جلب کنند. باید بطور سیاسی اعتراض کنند و از حقوقشان دفاع کنند. از سوی دیگر وظیفه تمام نیروهای اپوزیسیون این است که از آنها دفاع کنند تا بتوان در سطح سیاسی و انسانی راه حل قابل دفاعی برای این مسئله پیدا کرد. بنظر من، مظلوم نمایی و شیوه هایی از این دست (که همانطور که گفتم جزئی از فرهنگ اسلامی است)، کاملاً ارتجاعی و عقب مانده است! راه حل، اعتراض سیاسی و توسل به نیروهای مترقی جهانی است!

ناصر اصغری: بنظر می رسد سیاست های مجاهدین در ارتباط با نزدیکی به صدام یا به پیشواز سیاست های آمریکا رفتن و غیره، در نزد هیچ نیرویی طرفداری نشده است و با این همه، شاید آن نیروهایی که تمام همدستان را و همه چیز را در معاملات پشت پرده می بینند، از کسانی که در آنجا گرفتار و اسیر شده اند، حمایت نکنند. در این رابطه نظرتان چیست؟
حمید تقوایی: باز هم تأکید می

غیره! در حرکت و مبارزه ما بر سر حقوق انسانی نیروها هیچگاه این موضوع بحساب نیامده است. درست همانطور که ما همواره از آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی دفاع کرده ایم، در آنجا هم دیگر تفکیک نمی کنیم که موضوع آن زندانی سیاسی چیست. بی قید و شرط دفاع می کنیم و بنظر من، در اینجا هم باید بگونه ای بی قید و شرط از حق کسانی که در این محاصره گیر افتاده اند و این چند هزار نفری که در این منطقه اسیر شده اند، برای برخورداری از يك زندگي آزاد و انسانی دفاع کرد. بخصوص باید در مقابل سیاست تحویل اینها به جمهوری اسلامی ایستاد! اعتراض کرد و یاد آور شد که نباید اینها را بعنوان نیروی اپوزیسیون رژیم، به چنگال آن ارتجاع انداخت! این نیروها باید اجازه داشته باشند که به کشورهای غربی پناهنده شوند و هر کجا را که خودشان می خواهند، برای زندگي انتخاب کرده و ساکن شوند.

ناصر اصغری: حمید تقوایی، خیلی ممنون از اینکه در این مصاحبه شرکت کردید.
حمید تقوایی: من هم متشکرم.*

این مطلب را هادی وقفی
پیاده و تایپ کرده است.

از صفحه ۱ به حزب پیونید ...

کمونیست کارگری نماینده "نه" عمیق مردم به حکومت و نظام ضد انسانی موجود و حزب "آزادی، برابری، هویت انسانی" است. حول سیاستهای این حزب گرد بیاید و به صفوف این حزب پیونید! جمهوری اسلامی در يك بحران لاعلاج اقتصادی و سیاسی و اجتماعی دست و پا میزند، اما بدون تعرض سیاسی مردم خلاصی از شر این

کارنامه اش پرچمدار این سیاستها است. این حزب، حزب شما است. به حزب خود پیونید و شعارها و سیاستها و رهنمودهای آنرا راهنمای مبارزات و فعالیتهای خود قرار دهید.

به امید یکسال پر تحرك و فعال و پیرومند علیه حکومت اسلامی!

زنده باد سوسیالیسم!
حمید تقوایی
۲۱ شهریور ۱۳۸۷، ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۸

www.wpiran.org: سایت حزب
www.rowzane.com: سایت روزنه
www.anternasional.com: نشریه انترناسیونال
www.newchannel.tv: سایت کانال جدید

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

مسئولیت صفحه بندی انترناسیونال
به عهده آرش ناصری است.

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از میان سؤالات جلسات هفتگی حمید تقوایی

نگرانی مقامات رژیم از تحصیلات دانشگاهی دختران از چه رو است؟

حمید هادیان : حمید تقوایی عزیز، در صحبت هایتان یکجا اشاره کردید به حرف های مقامات جمهوری اسلامی که اظهار نگرانی کرده اند از اینکه درصد دختران دانشگاهی و تحصیل کرده دارد بیشتر از مردان می شود. اما فکرتان را بقول انگلیسی زبان ها باز نکرده و تا به آخر نبردید که چرا این مقامات چنین اظهار نگرانی می کنند. من یادم هست مدت ها قبل در جایی خواندم که استدلالشان این بود که برای دخترانی که به این درجه تحصیل کرده باشند باید شوهرانی حداقل با همین درجه از تحصیل پیدا شوند، تا شوهران زیر دست زنان شان نباشند، وگرنه در بنیان خانواده مشکلات جدی ایجاد خواهد شد! بنابراین لطفاً اگر لازم می دانید در این زمینه توضیح بیشتری بدهید.

حمید تقوایی: درست میگویید علت نگرانی آخوندها که تعداد دختران و زنان دانشجو بیشتر از پسران و مردان شده است دلیلش همان بود که شما اشاره کردید یعنی میگفتند که وقتی این زنان فارغ التحصیل شوند آنوقت شوهرانشان از نظر درجه تحصیل از آنها عقب میمانند و این از نظر آخوندهای حاکم یک فاجعه است! اینهم باز یکی از جنبه های دیگر اخلاقیات مذهبی اسلامی است که ریشه اش در مردسالاری است که معتقد است مرد هم از نظر درآمد و هم از نظر تحصیلات و کلا از هر نظری باید از زن خودش برتر باشد و این آخوندها ببینید همانطوری که گفتیم در هر جامعه ای این نوع اخلاقیات و این فرهنگ هست منتها فرق جمهوری اسلامی اینست که در جمهوری اسلامی این موضوع به فرهنگ رسمی تبدیل شده بطوری که همه مقامات و وزرا و وکلا و دست اندر کاران حکومت بطور مدام دارند از این خزعبلات میگویند و قوانینی بر این مبنا تصویب

میکند و پلیس و کلاتری و کمیته چیها و دستگاه مجریه هم بدنبال اجرای این قوانین میافتند. این یک بعد دیگر فاجعه است و یکبار دیگر نشان میدهد که جدایی مذهب از دولت از چه اهمیت ویژه ای برخوردار است. در جواب کسانی که میگویند اینها همه از مذهب نیست بلکه سنت هم در آن نقش دارد و غیره و غیره باید گفت سنتها هم در بیحقوقی زن نقش دارند اما این به معنی آن نیست که اگر جمهوری اسلامی نبود آنوقت همچنان این سنتها ایجاب میکرد که زنان حجاب سر کنند یا سنگسار شوند و یا ایندرجه غیرت و ناموس پرستی در جامعه وجود داشته باشد! و یا جامعه هم نگران این باشد که تعداد دانشجویان دختر از پسر بیشتر شده! همه اینها بوسیله دولت است که در جامعه تقویت و تثبیت شده و بعنوان قوانین و بعنوان مناسبات رسمی در جامعه حاکم شده است. اخلاقیات یک جامعه هر اندازه هم که عقب مانده و مردسالارانه باشد به اینجاها نمیرسد و کار را به اینجا نمیرساند کما اینکه در ایران ماقبل جمهوری اسلامی کسی نمیدانست سنگسار چی هست و کسی حجاب اجباری را نمیشناخت و کسی معتقد نبود که زن باعث فساد است و یک تار موی زن باعث تشعشع میشود و مرد را منحرف میکند و از این خزعبلاتی که همه اینها بعنوان رئیس جمهوری و نخست وزیر و رئیس مجلس و امام جمعه و غیره و غیره هر روز دارند در آن جامعه جار میزنند! این حکومت است که عقب ماده ترین و ارتجاعی ترین و بخصوص ضد زن ترین قوانین و فرهنگ را بر جامعه مسلط کرده و بهمین دلیل است که میگوییم قبل از هر چیزی باید با این مسئله تعیین تکلیف سیاسی کرد. یعنی مبارزه فرهنگی با اسلام و با فرهنگ اسلامی و با مذهب و با اخلاقیات مذهبی باید سر جای خودش یک وجه کار باشد ولی قدم

اصلی و تعیین کننده در جامعه ایران اینست که مذهب از حکومت و از قوانین و از سیستم آموزشی جامعه جدا شود و اساس مسئله اینجاست.

آیا پیروزی طبقه کارگر اجتناب ناپذیر است؟

حمید هادیان (به نیت پوریا عزیز): سؤالی هم هست که دوستی بنام پوریا عزیزتری به من ماموریت داده اند بپرسم. سوالشان اینست که مارکس گفته است بورژوازی، یعنی طبقه سرمایه دار و اعوان و انصارش، گورکنان خود را که طبقه کارگر باشد بوجود می آورد، و پیروزی طبقه کارگر و نابودی بورژوازی به یکسان اجتناب ناپذیر است. سوال پوریا اینست که چرا اینطور می شود؟ من اتفاقاً وقتی کتاب سرمایه را ورق میزدیم دیدم که مارکس از کتاب مانیفست کمونیست این قطعه را در کتاب سرمایه هم نقل قول کرده که اینجا من با اجازه تان چند سطر را از ترجمه خودم میخوانم. میگوید که "کار مزدی فقط و فقط به رقابت میان کارگران متکی است. پیشرفت صنعت که بورژوازی عامل بی اختیار اما خواستار فعال آنست پراکندگی ناشی از رقابت کارگران را از میان برمی دارد و بجای آن همبستگی انقلابی ناشی از مجتمع بودن آنان را می نشاند. بنین ترتیب توسعه صنعت بزرگ ملدن دقیقاً همان پایه ای را که بورژوازی با تکیه بر آن به تولید و تملک محصول تولید می پردازد از زیر پایش میکشد. لذا بورژوازی پیش از هر چیز گورکنان خود را تولید میکند. سقوط او و پیروزی پرولتاریا به یکسان اجتناب ناپذیر است". و سؤال دوستمان دقیقاً همین است که اگر سقوط بورژوازی و پیروزی طبقه کارگر یا پرولتاریا اجتناب ناپذیر است پس تشکیل حزب و مبارزه و اینهمه بدبختی و خون دلخوردن برای چیست؟! خوب، بگذاریم تا این میوه بالاخره بقول معروف یک روزی برسد و خودش از درخت بیفتد!

حمید تقوایی: نقل قولی کردید از مانیفست و کاپیتال که مارکس

اینجور عنوان میکند که بورژوازی گورکن خود را میسازد و ظاهراً پیروزی بدون نقش انسانها اجتناب ناپذیر است، این اشتباهی است که بنظرم از عدم درک درست مارکس و مارکسیسم و عبارت بهتر عمیق ندیدن قضیه و سطحی برخورد کردن ناشی میشود. وقتی ما میگوییم که در تاریخ اتفاقی خواهد افتاد، همانطور که مثلاً در تاریخ برده داری باید برمیافتاد و بالاخره برافتاد، و یا نظامهای فئودالی نمیتوانستند باقی بمانند و نمانند، و نظام سرمایه داری هم نمیتواند باقی بماند و خواهد رفت، به این معنا نیست که در هیچیک از این نظریه ها تاریخ منهای انسان و منهای اراده انسانها و نقطه اتکا و محور و اساس مارکسیسم همین پراتیک سیاسی و عملکرد سیاسی و اجتماعی انسانهاست. همانطور که بالاخره انقلاب فرانسه باید شکل می گرفت تا خلع ید میشد از فئودالیسم و جامعه فئودالی و فرانسه پیش کسوت انقلابات عصر تازه و پیشکسوت انقلابات بورژوازی علیه فئودالیسم شد، علیه بورژوازی هم انقلاباتی باید سازمان داده شوند. و انقلاب را در نهایت انسانها میسازند یعنی احزاب و نیروها و شخصیتها و فعالینی که دست اندرکاران حرکتند. تاریخ بالاخره یک سیری دارد که قابل پیش بینی است ولی به این معنی نیست که اجتناب ناپذیر است. انسانها و اراده انسانها موتور و محرک تاریخ و تحولات تاریخی است. بنابراین طبعاً اگر کسی از این تئوری مارکس این نتیجه را بگیرد که پیروزی خود بخود امری اجتناب ناپذیر است و خودش اتفاق میافتد و ما نباید کاری بکنیم آنوقت هیچوقت این اتفاق و این پیروزی شکل نخواهد گرفت.

از زاویه دیگری هم میشود این مساله را توضیح داد. میتوان گفت که مبارزه و جنبشهای اعتراضی هم به اندازه خود تحولات تاریخی اجتناب ناپذیر است! مبارزه از کتاب و از تئوری درنمیاید. ممکن است روشنفکران یا کسانی که مثل طبقه کارگر، و امروز دیگر مثل توده عظیم مردم زحمتکش جامعه، تحت فشارهای اقتصادی و اجتماعی نیستند از تئوری و کتاب به انقلاب آمده باشند ولی اعتراض علیه وضعیت

موجود میشود گفت یک جزء طبیعی حرکت طبقه کارگر حتی برای بقای خودش هست. طبقه کارگر برای بقای خودش یعنی برای اینکه بتواند سطح دستمزدهایش را حفظ کند و به فقر مطلق غلبیده نشود و خودش و خانواده اش از گرسنگی نمیرد ناگزیر است که برخیزد و مبارزه کند. جنبش کارگری و اعتراض و مبارزه علیه سرمایه داری جزئی از داده های خود سیستم سرمایه داری هست و بنابراین اگر میگوییم که پیروزی اجتناب ناپذیر است باید بگوئیم که مبارزه هم اجتناب ناپذیر هست. و اینجا یعنی دیگر انسانها قدم بمیدان میگذارند. یعنی روشن است و قابل انتظار است و اینطور خواهد شد که انسانهای بلند میشوند و علیه این وضع موجود سازمان پیدا میکنند و سازمان میدهند و آگاه میشوند و آگاه میکنند و اعتصاب میکنند و تظاهرات میکنند و بالاخره انقلاب میکنند که این نظام را عوض کنند و این هم جزئی از سیر تاریخ است. مبارزه هم بهمان اندازه ای اجتناب ناپذیر است که خود استعمار سرمایه داری اجتناب ناپذیر است.

وقتی که مارکس اشاره به این میکند که جامعه سرمایه داری گورکن خود را بوجود میآورد درواقع دقیقاً معنی همین است که طبقه اجتماعی بوجود میآید که ناگزیر است مبارزه کند تا باقی بماند و برای نجات خودش ناگزیر است که کل بشریت را نجات بدهد. این طبقه تئوری لازم دارد. این طبقه افق و آرمان سوسیالیستی لازم دارد. این طبقه مارکسیسم و حزب لازم دارد و سازماندهی لازم دارد و انسانهای واقعی دست به این کارها میزنند به این ضروریات پاسخ میدهند، به مبارزه علیه سرمایه داری دست میزنند، و به این اعتبار به تاریخ و انقلابات شکل میدهند. نمونه بارز این امر وضعیت جمهوری اسلامی در ایران امروز است که میبینیم با تمام سرکوبگریها و سیاستهای ضد انسانیش نتوانسته جلوی اعتراضات و اعتصابات را بگیرد و ما امروز میبینیم که وسیعترین و بیسابقه ترین اعتراضات و مبارزات کارگری در جامعه ایران در جریان است و همچنین وسیعترین مبارزات علیه بی حقوقی زن، علیه بیحقوقی جوانان و همچنین علیه مصائب دیگر در جامعه. *

این مطلب را ناصر احمدی پیاده و تایپ کرده است.

صدای مردم در کانال جدید

**برای جوانان اینجا حزب کمونیست کارگری خیلی پر شور و جالب و امیدوار کننده است
مادر من در آن دنیا از حلقه آوزان میشود و اینجور بلا سرش میاورند؟!
وای منم ممکن است که سوسک بشوم و مجازات بشوم؟
ما نیاز به راهنمایی داریم!
کی متحد نیست؟ حزب کمونیست کارگری یا جمهوری اسلامی؟
ما میوه و گوشت ارزان برای چی میخواستیم؟!
هم جمهوری اسلامی را دیده ایم هم دموکراسی آمریکایی را!**

جوانان علیه رژیم اسلامی برنامه ای از کیوان جاوید

یک جوان آرزومند عصر اینترنت

با سلام بشما، بابا این رژیم دیگر مشکلات و فقر و بدبختیها را به اوج خود رسانده و دیگر قابل تحمل نیست و ما دیگر از دست این حکومت خسته شده ایم. آخه نان دانه ای صد تومان شده و ذره ای آزادی نداریم حالا دیگر خودتان حسابش را بکنید که یک جوان آرزومند عصر اینترنت با این بیکاری و بی تاسیمنی و بدون هیچ حقوق و شادی و آزادی چگونه میتواند به حال و آینده اش امیدوار باشد! منم حرف شما را قبول دارم که باید باهم متحد شد و باید دست بدست هم داد و دور این کانال و این حزب جمع شد و کاری کرد وگرنه این مشکلات نه تنها بدتر هم خواهند شد بلکه تمامی هم نخواهند داشت. شما همین برداشتن سوسیدها و یارانه ها را ببینید آخه کجای این یارانه است! کجای این سوسید است! کجای این بنفع مردم است! مردم هیچوقت از آخوندهای دزد و چپاولگر و میلیاردر انتظار کمی ندارند مردم دیگر اینها را شناخته اند و میخواهند سرنگونش کنند. آقای جاوید برنامه های کانال جدید چه روزهایی و چه ساعاتی پخش میشود؟ لطفاً تکرار برنامه ها را هم بگویید که کدام برنامه ها در چه روزهایی تکرار میشود؟ خیلی ممنون.

جوانی از ایران

ای کاش در افغانستان هم حزب کمونیست کارگری وجود داشت!

سلام آقای جاوید خیلی خوشحال هستم که با شما صحبت میکنم. من از افغانستان هستم و برنامه شما را با اشتیاق و علاقه دنبال میکنم و واقعا برنامه های قشنگ و

مسلح است و بخاطر همین باید طبقه کارگر و جوانان و زنان و تمامی گروههای مردم بزرپرچم این حزب که حزبی سیاسی و کاملاً رادیکال است متشکل شوند و من همینجا از جوانان و زنان و مردم ایران بویژه طبقه کارگر ایران میخواهم که برنامه های ۲۴ ساعته کانال جدید را ببینند و بدور این حزب متحد و متشکل شوند و جمهوری اسلامی را سرنگون کنند.

من حزب کمونیست کارگری را دوست دارم و منصور حکمت را قبول دارم و آرمانهای این حزب را دوست دارم و برنامه دنیای بهتر را خوانده ام و دوست دارم و بارها آرزو میکنم که ای کاش یک چنین حزبی هم در افغانستان شکل میگرفت و جامعه افغانستان را از این بحرانی و گردابی که وجود دارد نجات میداد. گردابی که انواع سازمانها و جریانها و احزاب اسلامی از یکطرف و نیروهای چند ملیتی برهبری آمریکا از طرف دیگر بوجود آورده اند. و البته قبلاً هم که نیروهای شوروی باصطلاح سوسیالیستی بودند و همگی افغانستان را به تاخت و تاز و جنگ و کشتار و فساد کشانده اند. آن سناریو سیاهی که منصور حکمت گفته بود و آن جنگها و جنایات و آدمکشی بطور گسترده هنوز هم در افغانستان وجود دارد. در واقع هم آمریکا و نیروهای ناتو میکشند و بگردن نیروهای طالبان میاندازند و هم اسلام سیاسی و طالبان میکشند و بگردن آنها میاندازد و در هر دو صورت دود این بدبختی به چشمان مردم میرود و خوش هم از مردم میریزد. بهرحال وقتان را بیشتر نیکگیرم و پیروزی شما را آرزو میکنم.

جوان کمونیست کارگری از افغانستان

نیروبان را بگذارید روی دبیرستانها و دانشگاهها و جوانان

سلام آقا کیوان قربانت برم امیدوارم خوب باشید. آقا کیوان جوانان ما کمبود کتاب دارند و کمبود آگاهی دارند و خوب نمیدانند که سوسیالیسم چی هست اما کاملاً روشن است که جوانان این مذهب را کنار گذاشته اند و این حکومت را نمیخواهند ولی آگاهی کافی از کمونیسم و سوسیالیسم هم ندارند و شما بهر قیمتی شده باید نیروی تان

را بگذارید روی دبیرستانها و دانشگاهها و روی جوانان ایران که اکثراً هم بیکار هستند. من حاضرم دست بدست شما بگذارم و برای آگاهی دادن به جوانان بروم داخل اینها و هرکاری که از دستم برآمد برایشان انجام دهم و من حاضرم جانم را برای راه رهایی از رژیم اسلامی و نجات از نظام سرمایه داری بدهم چونکه سوسیالیسم را درکش کرده ام. ما باید فعالیت کنیم و باید همدیگر را روشن کنیم و باید آگاهی جامعه را بالا ببریم و باید دور کانال جدید جمع بشویم و متحد بشویم و باید این حزب و این رهبری را انتخاب کنیم. آخه دیگر تا کی باید بنشینیم و پراکنده اعتراض کنیم و رژیم هم ما را بیشتر و بهتر سرکوب کند و معتاد کند و بیچاره مان بکند. من تکرار میکنم که مشکل اصلی جوانان ما آگاهی است وگرنه از اسلام زده شده اند و از جمهوری اسلامی زده شده اند و کلاً ذلّه شده اند از دست این رژیم جنایتکار و ارتجاعی. دیگر مزاحم وقتتان نمییشوم قربانت برم خدا حافظ.

جوانی از ایران

به کی باید اعتماد کرد؟

خسته نباشید. از ایران زنگ میزنم. آیا این برنامه شما تاثیر گذار برای جوانان مملکت است؟ ببینید من جوانی هستم از نسل انقلاب و با بدبختی زندگی کرده ام و هیچ خوشی و شادی و آزادی هم ندیده ام و الان هیچ امکاناتی برای بهبود زندگی در آینده هم ندارم. یعنی من همین الان نزدیک به ۵۰ - ۶۰ میلیون تومان به بانکها بدهی دارم و الان دریدر و فراری هستم. آخه دردم را به کی بگم باور کنید که از جان خودم سپرم و نمیدانم چکار باید بکنم. یک کشورهایی هم هست که توانسته ام مدتی بروم و آنجاها کارکنم ولی در توانم نبوده که در آنجا ها هم بمانم. در لس آنجلس و نیویورک هم که ماها را راه میدهند پس بالاخره به چه امیدی باید زندگی کرد و به کی باید اعتماد کرد و چه باید کرد؟

مردی از ایران

جان مردم به لب رسیده است!

سلام آقا کیوان خسته نباشید. این آخوندها مملکت ما را غارت کردند و داغون کردند. من خانواده هایی را

میشناسم که یکسال است که گوشت نخورده اند. دیگر جان مردم به لب رسیده و باید یک کاری بکنیم. یک کاری کرده اند که همه مردم توی مشکلات گران و بدبختی گرفتارند و مانده اند. چطور بگویم اصلاً خواهر به برادر شک دارد و اعضای خانواده بهم شک دارند و وضع خانواده ریخته بهم. جوانهایی که معتاد شده اند کاری نمیتوانند بکنند و جوانانی هم که نمیتوانند کاری بکنند و میخوانند دست بدست هم بدهند با این خفقان وضعی ساخته اند که اینها هم عملاً نمیتوانند کاری از پیش برند. بسین آقای جاوید الان یکی آمده بود و با شما حرف میزد و میگفت که حاضر از جانم هم بگذرم. باور کن منم حاضر از جانم بگذرم ولی بشرطی که لااقل بقیه خوشبخت شوند و زندگی بقیه بهتر شود. من دلم خیلی میسوزد که اینهمه هنرمندان و هنرپیشه های ما ناچار شده و از مملکت رفته اند و چرا نمیتوان شرایطی جور کرد که این عزیزان با استعداد ما به جامعه مان برگردند. من فقط فکر میکنم که با متحد شدن است که شاید بتوانیم کاری کنیم که این رژیم را بیاندازیم.

جوانی از ایران

خود رژیم گفته ماهواره خوب نیست

سلام آقای جاوید. اینها میانند حرف میزند و وقت میگیرند. این رژیم زندگی مردم را غارت کرده و خون مردم را کرده به شیشه و همین یک فقره گرانی مردم ایران را بیچاره کرده حالا چرا باید بگذاریم اینها بیایند صحبت کنند و مگر خودشان تلویزیون ندارند. آیا آنها میکذارند که ما هم برویم در تلویزیون آنها حرف میزنیم! اصلاً خود رژیم گفته که ماهواره خوب نیست خب پس چرا میایند صحبت میکنند! امیدوارم که جوانان بیشتر بیایند و متحدرت و متشکلتر مردم را از این وضع و بدبختی نجات دهیم.

زن جوانی از ایران

قدرت آنها در باتوم، قدرت ما در حزب!

آقای کیوان عزیز شما که در جواب آن خانم سلطنت طلب که میگفتند از خودتان موضوع تعیین نکنید و اول نظر سنجی کنید اشاره به جوانان

از صفحه ۵ صدای مردم در کانال جدید ...

آریا شهر و تظاهرات باشکوهشان می‌کنید که شعار دادند که جمهوری اسلامی نمی‌خواهیم نمی‌خواهیم. باید بگویم که این اولین بار نبوده که جوانان ما غیرت نشان دادند. ۶ سال پیش هم در همین اصفهان اعتراض بزرگی داشتیم. آخه اینها به انرژی هسته‌ای خودشان مینازند! انرژی هسته‌ای اینها مثل سنگی هست که یکی می‌اندازد توی چاه و ده هزار عاقل نمیتوانند درش بیابوند و مثل اینست که یک بمبی را بدهیم دست یک بچه و یا دست دهها و صدها جنایتکار و انوقت بحال دنیا چه پیش خواهد آمد. حالا آقای کیوان عزیز من می‌خواهم یک موضوعی را هم تعریف کنم حالا شاید مربوط به برنامه هم نباشد. دو سال پیش در کلاس جوانان بسیج بودم و من اینرا می‌گویم که جوانان ما بیشتر روشن بشوند و از اینها نترسند. من سه چهار ماه با اینها در کلاس درگیر بودم بخاطر اینکه اصلا از شعور صرف بودند و واقعا افکارشان هیچ و پوچ بود و من ذره‌ای چیز نتوانستم یاد بگیرم و گذشته از آن اینها بقدری کثیف بودند و از این خانمهای بسیجی بقدری بوی تعفن می‌پسید که می‌بایست دو سه ساعت درب و پنجره را باز می‌گذاشتیم تا هوا عوض شود. اگر قدرت اینها توی باتوم است قدرت ما جوانان هم همین حزی هست که تشکیل شده و باید دور این حزب جمع شویم و از این کانال و از این حزب استفاده کنیم و متحد شویم تا کاری نکنیم. من متاسفانه الان ایران نیستم ولی امیدوارم میتوانستم و در ایران بودم و دست بدست هم‌فکرانم در بین این جوانان اتحاد بیشتری می‌ساختم. زن جوانی از خارج از کشور

رژیم سنگسار در قرن ۲۱ دوام نخواهد آورد!

سلام آقا کیوان. بهمین از ایران هستم. جوانان در قبال رژیم عنوان خوبی نیست. بنظر مردم در مقابل رژیم درست است. بهترین راه حل در سه بند است. اتحاد حول حزب کمونیست کارگری - مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی برای آزادی و برابری - مبارزه برای پیروزی بر رژیم جهل و جور و فساد. من فکر می‌کنم که این مبارزه نهایتا پیروز خواهد شد چونکه هیچ رژیمی که برپایه

سنگسار و اعدام باشد در قرن ۲۱ دوام نخواهد داشت حتی اگر این رژیم سیاسی آمریکا و پنتاگون جرج بوش باشد. جوانی از ایران

برای جوانان اینجا حزب کمونیست کارگری خیلی پر شور و جالب و امیدوار کننده است

من جوانی مازندرانی از سواد کوه هستم. من می‌خواهم دو نکته را بگویم. اول اینکه ما جوانان خیلی پر شوری هستیم و دوم هم اینکه ما جوانان خیلی طرفدار حزب کمونیست کارگری هستیم و اینجا یک هفته نامه داریم که البته یک بروشور زیر زمینی است و کار غیر قانونی می‌کنیم و عقاید کمونیستی را خیلی پخش می‌کنیم و برای جوانان اینجا حزب کمونیست کارگری خیلی پر شور و جالب و امیدوار کننده است. ما توی همایشها هم شرکت می‌کنیم و فعالیتهای ما هم خیلی جالب است. من زنگ زدم که بگویم ما خیلی شما را دوست داریم و مرسی که ایران را فراموش نکردید. داد می‌زنیم که بگویم عشقمون دلتنگ شماست ای برار جان - عشقمون دلتنگ شماست ای برارجان. قربان شما. جوانی از مازندران

ما همه انسانیم

سلام آقای کیوان. من هم میدانم که باید این رژیم را براندازیم اما لطفا بگوید که بعد از برانداختن رژیم چه رژیمی باید روی کار بیاریم و چه خواهد کرد برای مردم. ما همه مان انسانیم و فرق نمی‌کنند که کرد هستیم و یا ترک هستیم و یا فارسیم و امیدوارم که روزی در بین مردم و در جامعه آزاد و برابرمان همه هم‌دیگر را ببینیم. جوانی از خارج

منزوی کردن جمهوری اسلامی در جهان برنامه‌ای از مینا احدی

روی ما حساب کنید

سلام علیکم خسته نباشید. ما افتخار می‌کنیم به شما خانم احدی بعنوان یک زن که صدای ما زنان را

حاضریم و آماده ایم بکنیم و باید هم که دست بدست شما بدهیم و همه جوره کمکتان کنیم و نگذاریم این کانال و این حزب شکست بخورد و ما از زنان و مردم ایران هم می‌خواهیم که با اتحاد بیشتر خودشان بیاری شما و این کانال و این حزب بشتابیم و بتوانیم هرچه زودتر جمهوری اسلامی را براندازیم و زندگی راحتی را تجربه کنیم. ما با جمعهای خانواده مان باید این برنامه ها را خوب دنبال کنیم و ما میدانیم که این کانال و این حزب در مورد همه چیز صحبت کرده و در هر عرصه‌ای برای حقوق مردم و زنان ایران مبارزه کرده و ذره‌ای هم کوتاه نیامده است و ما که الان در اینجا هستیم و مادر هستیم و همسر هستیم و خانواده داریم و بچه داریم و هر بدبختی و هر جنایت و تهمت و توهین و تحقیری را لمس کرده ایم داریم با پوست و گوشت و تمام وجودمان حس می‌کنیم که هیچ موضوعی نبوده که این حزب راجع به آن صحبت نکرده باشد و هیچ حقوق و تبعیضی نبوده که در برابر آن نایستاده باشد و واقعا از این بابت خوشحالی و افتخار می‌کنیم. ما خوشحالی که بیش از پیش جمهوری اسلامی را در جهان منزوی می‌کنید و همینهایی هم که می‌باید روی خط و می‌خواهند این برنامه‌ها را مختل بکنند نشان می‌دهد که چقدر در این مدت بخاطر مبارزات ما زنان و مردم و شما فعالین مدافع انسان و انسانیت شکست خورده اند و بی آبرو شده اند و میدانیم که چقدر از فعالیتهای شما و مردم ایران واهمه دارند. متشکریم از شما و پیروز باشید و به همه تان درود می‌فرستیم و روی ما حساب کنید.

زنی از ایران

سلام خسته نباشید خانم مینا احدی. از کردستان مزاحم می‌شوم. در باره آن خانمی که زنگ زدند و گفتند از زندگیم راضی نیستم ولی از رئیس جمهور و رهبر و رژیم راضیم این خانم از همان زنان بدبخت و عقب مانده آخوندها بوده که اینجور حرف می‌زد و امیدوارم که مردم در جریان باشند وگرنه همه مردم الان به رژیم اعتراض دارند و همه از این رژیم ناراضی‌اند و ما دست شما ها را می‌بوسیم و از هرکاری که بتوانیم در این پیروزی دریغ نخواهیم کرد منتها

به گوش جهانیان رسانده اید و از آزادی و برابری صحبت کرده اید و حق و حقوق و خواسته های ما را نمایندگی می‌کنید. ما برنامه های شما را از کانال جدید دنبال می‌کنیم و زحمات حزب کمونیست کارگری را قدر می‌نهیم. من امیدوارم تمام زنان ایران این فعالیت ۱۲ یا ۱۳ سال پیش شما را که علیه سنگسار و اعدام و علیه زن ستیزی و علیه تمامی بدبختیها و بی حقوقی هایی که زنان ایران طی این مدت در حکومت جمهوری اسلامی تحمل کرده اند ببینند و امیدوارم زنان ایران بدانند که آنزمانی که حزب کمونیست کارگری و مینا احدی ها برای تحق مطالبات ما زنان مبارزه می‌کردند و ما را نمایندگی میکردند شبرین عبادی کجا بود و یاران او چه میکردند. بنظر من همه آنها دنبال این بودند که طی آن ۶ سال فعال بودن دوم خردادیها و جریان اصلاحات این قوانین وحشیانه جمهوری اسلامی را کمی اصلاح کنند در صورتی که ما همانموقع که شما و حزب کمونیست کارگری در کنفرانس برلن از حقوق مردم ایران و ما زنان دفاع میکردید و از تلویزیون میدیدیم، از همان روزها بود که امید میگرفتیم که چنین نمایندگان مبارز و سازش ناپذیری هم در این جهان داریم. ما نه تنها همانموقع میفهمیدیم که کار و فعالیت شما با کارهای این اصلاح طلبان و شیرین عبادیها کاملا متفاوت است بلکه خیلی هم خوشحال بودیم حتی الان هم که این برنامه های کانال جدید را بیشتر دنبال می‌کنیم و با بقیه کانالها مقایسه می‌کنیم میبینیم که حرفهای آن موقع شما همان آرمانهایی بوده که الان هم دارید دنبالش می‌کنید و قوی تر هم شده اید و هنوز هم روی مواضع درست و انسانی خودتان مانده اید اما کو کانال ها و جریانهای دیگری که ادعای دفاع از زنان و مردم ایران میکردند و کجا هستند و چه میکنند در خارج کشور و جز اینکه مردم را الاف خودشان کرده اند چه میکنند! ولی ما در این مدت که برنامه های کانال جدید را دنبال کرده ایم میبینیم که این تنها و تنها حزب کمونیست کارگری هست که میتواند مشکل ما را توی ایران حل بکند و ما هم از دستمان هرکاری برآید

مردم باید خودشان بیشتر بیدار شوند و تصمیم بگیرند و در این مبارزه با هم و با کانال جدید اتحاد کنند.

مردی از کردستان

وای ممکن است من هم سوگم بشوم!

سلام خانم مینای عزیز. من اول صحبتیم را با مرگ بر جمهوری اسلامی شروع می‌کنم و به همه تان دستت درد نکنید می‌گویم. من زنگ زدم که به این آقای که میگفتند شما چه کار کرده اید که اینهمه ادعا دارید بگویم که خیلی کارها کرده اند و همین که برای مردم ایران امیدی قوی ایجاد کرده اند و اینهمه آگاهی داده اند و چندین زن و مرد را از اعدام نجات داده اند و تلویزیونی برای این مردم راه انداخته اند و دارند همه مردم را متحد میکنند تا شما را هرچه زودتر سرنگون کنیم خودش کلی کار و فعالیت است ولی شما بگوید که با اینهمه ثروت نفت و امکانات جامعه تولید و استثمار کارگران و این مردم و این مملکت آنها با اینهمه بودجه و تبلیغات و سفرها و ادعای سی ساله تان، بغیر از این جنایت و گرانی و اعتیاد جوانان و قطع دست و پا و چشم درآوردن و سنگسار و حمله به عروسی ها و شادیها و بدبختی و بی آبروی جهانی چه کرده اید.

خانم مینای عزیز دفعه قبل که برنامه اجرا میکردید یک آقای زنگ زدند و به شما گفتند که شما حتی جلوی خود خدا هم می‌ایستید و من متاسفانه فرصت نکردم ببینم روی خط و جوابش را بدهم. من نمیدانم این خدای اینها بجز دستور دهنده اینهمه جنایت و بی حقوقی برای زنان و مردم چی هست و چه کرده است. بنظر من خدای اینها از آن صحبت میکنند فقط خدای خودشان است و این اسلامی که می‌گویند و ادعا میکنند باید گفت که فقط مال خود اینهاست وگرنه چیزی که ما از اسلام و خدا دیده ایم فقط نکن و نخواه و نباید و نمیشود و منتظر باش و صبور باش و فروتن باش و نجیب باش و در آن دنیا بفکرش باش و اینهاست یعنی اسلام اینها همه اش نفی کردن حقوق انسانی و انکار آزادی و برابری و

از صفحه ۶ صدای مردم در کانال جدید...

شادی انسانهاست. توی آن اسلام چیزی نیست و جمهوری اسلامی که دارد از آن عقاید پیروی میکند و بیشتر هم شکلش میدهد باید در جهان منزوی شود و واقعا به غیر از یک گروه اقلیت مزدور و جانی و حزب الله در جهان بویژه سازمانیافته ترش در ایران هیچ کسی توجه به اینها نمیکند و اساسا از اینها منجز و متنفر هستند و تمام دنیا اینها را شناخته اند و خیلی از مسلمانان هم در دنیا از اسلام برگشته اند و خود مردم ایران هم که شدیداً ضد اسلام شده اند و از دین و اسلامی که داشتند برگشته اند. نمونه اش خود من خانم مینا احدی یعنی من خودم یکی از متعصبین اسلام و خدا بودم و زمانی که بچه بودم و در مدرسه بودم بما میگفتند که زانی که پایشان لخت باشد در آن دنیا داغش میکنند و میسوزانند بعد بخود میگفتم که یعنی این مادر من در آن دنیا از حلقه آویزان میشود و اینجور بلا سرش میاورند!

بعد به خودم میگفتم که وای این خدا چقدر ظالم است. شاید خانم احدی باورتان نشود که به خدا لعنت میفرستادم و بعدش هم فوراً میترسیدم که وای منم ممکن است که سوسک بشوم و مجازات بشوم! الان که بزرگ شده ام و بویژه برنامه های شما را نگاه میکنم بهتر و ریشه ای تر میفهمم و میبینم و اوایل این ایده ها چقدر مسخره و پوچ بوده و این آخوندها و این اسلام و قرآن و خدا چقدر از بی دانشی ما سو استفاده کرده و مخ ما زنان و مردم محروم و ستم دیده را خورده اند و ما را همه اش به داخل خانواده و آشپزخانه سوق داده اند و همه اش ترس و توحش و توهم و تعظیم به مرد و تابعیت از رئیس خانواده و آخوند محل و چیزهای شنیع و کثیف بارمان کرده اند که آدم شرمش میشود که به اینها باور داشته باشد و اعتقادش را حفظ کند و تبلیغ کند و در جاهای دیگر هم ابراز بکند که مسلمان است. خیلی ممنون خانم مینای عزیز بخوشید که وقتتان را زیاد گرفتیم.

زن جوانی از ایران

های خیلی خیلی خوبتان را دوست دارم و پند و اندرزهایتان را گوش میکنم. در ایران همه مردم و جوانان از رژیم جمهوری اسلامی ناراضیاند و میخواهند که سرنگونش کند و نماند اینهایی که زنگ میزنند و اینجوری حرف میزنند با شما مخالف حرف میزنند کی هستند وگرنه همه همینطوری که اکثر تلفن کننده ها را میبینید ناراضیاند. ما جوانان دور هم جمع میشویم و در مورد برنامه های خوب شما و اینکه چه باید کرد صحبت میکنیم اما برای قدمهای عملی که میرسد میبینیم که هنوز راههای خوبی بلد نیستیم که حرفهایمان را بگوش مردم و دیگران برسانیم و به ترسان غلبه کنیم و با اطمینان بیشتری قدم برداریم آنهم بخاطر اینهمه فضای رعب و وحشتی هست که بوجود آورده اند و ما نیاز به راهنمایی داریم. من دیروز هم برنامه قتل های ناموسی شما را دیدم و خیلی خوشم آمد و دستتان درد نکند زنده باشید.

ناهید از تهران

با سلام و خسته نباشید خانم مینا احدی و با مرگ بر جمهوری اسلامی. بنظر جمهوری اسلامی در سطح جهانی باید بیشتر از اینها هم منزوی شود و در بین اپوزیسیون ایران تنها حزبی که بتواند مردم را متحد کند و رژیم را منزوی کند و از مردم و سازمانهای آزادیخواه جهانی هم برای مردم ایران دوست و حامی ایجاد کند همین حزب کمونیست کارگری است. من یادم است که در سالهای گذشته که جریانات دوم خردی زیاد فعالیت میکردند در همان موقع هم این فقط حزب کمونیست کارگری بود که سعی میکرد که تاجایی که میتواند جنایات جمهوری اسلامی بیشتر افشا کند و خود این جریان اصلاح طلبی و مباحثات با جمهوری اسلامی هم بیشتر افشا کند و کنار بزند و دیدیم که کاملاً موفق هم شد و مردم را از این توهم انداخت. خسته نباشید و موفق باشید.

مردی از ایران

نگذارید که این آیت الله های میلیاردر پولهای نفت و مملکت را پارو کنند سلام خانم احدی خسته نباشید

وقتتان بخیر. میخواستم این آقایی که زنگ زد و بشما گفت که لقمه بزرگی گرفته ای بگویم که این آقایان و طرفداران رژیم با کل حکومتشان معلوم نیست که اینهمه بودجه و امکانات میلیاردری نفت ما و زحمات مردم ما را و اینهمه جنایات و بی حقوقیهای مردم را چگونه بر میدارند و چگونه قورت میدهند. برای سرنگونی این رژیم من معتقدم که کافیتست که مردم کمی همت کنند و دور این کانال و این حزب گرد بیایند آنوقت میبینیم که این رژیم که سهل است قدرتهای بالاتر از این رژیم را هم میتوان از حکومت انداخت و از دستشان راحت شد. امثال این خانمی که زنگ زده بود و میگفت از زندگیم راضی نیستم اما عاشق چشم و ابروی احمدی نژاد و خاصه ای و سران این رژیم بود باید به اینها هم گفت که عوض طرفداری از سران رژیم میتوانید عاشق مردم ایران باشید و برای بدبختیهای مردم و زنان و جوانان چاره درست و حسابی پیدا کنید و نگذارید که این آیت الله های میلیاردر پولهای نفت و مملکت را پارو کنند و هست و نیست مردم را پایمال کنند.

زن جوانی از ایران

کی متحد نیست؟ حزب کمونیست کارگری یا جمهوری اسلامی؟

سلام خانم احدی خسته نباشید. من درود میفرستم به آن لخبند با وقار و محبوب شما و قدردانی میکنم از پاسخهای بجا و متین و محکم شما که اینقدر رعشه بر اندام اینها میاندازد. اینهایی که زنگ میزنند و میگویند که توی حزب شما وحدت ندارید میخواهم ببینم کی وحدت ندارد حزب کمونیست کارگری که بخاطر وحدت و استحکام و انسجام فکری و عملی درونی خودش دارد گروههای مختلف و پراکنده مردم را دور خودش جمع میکند و متحد میکند و امید دنیای بهتر و زندگی انسانی را در دل بیکاران و معتادان و جوانان و زنان و کارگران و همه مردم ایجاد میکند یا رژیم و نیروهای شما که بمب میگذارند توی هوایمای نیروهای نظامی خودشان و یا بمب میگذارند توی مراکز سپاه و مسجد و مجلس خودشان و یا آن هوایمای نظامی را ببهانه سفید کوه لرستان منفجر میکنند! بگویید ببینیم کی وحدت ندارد آن؟ من

امروز خبری شنیدم از یک جوان در لرستان که تعدادی از جوانان غیور لرستان تلاش کرده اند و همه کانالها را دنبال کرده اند و شعورشان رسیده و تشخیص داده اند که کدام حزب و کدام کانال را انتخاب کنند و همگی اعلام همکاری و اتحاد با این حزب کرده اند. اینها که بقول معروف لنگ رژیمشان به هوست و میبینیم که این قوانین ارتجاعی و افکار گندیده عهد حجریشان را چه جوری با چشم در آوردند و از کوه پرت کردن و دست و پا قطع کردن و سنگسار و اعدام نوجوانان میخواهند به خورد مردم متمدن این عصر اینترنتی بکنند.

میخواهم ببینم که اینها که همه اش با باج دادن به لبنان و حماس و سوریه و نیکاراگوا و ونزوئلا و غیره که همه شان هم ضعیفتر از خودشان هستند دارند بزور برای خودشان نیروهای حزب الله و دوست و همقطار میسازند، اینها متحد نیستند یا کانال جدیدی هایی که دارند دست بدست هم میدهند و میگویند از جان و مال و همه چیزمان میگیریم و به رهبری همین حزب میخواهیم که یکبار برای همیشه قال این رژیم و جنایتکاران کثیف را بکنیم! هان کی وحدت ندارد؟! اینها به بمب اتم خودشان مینازند و با این میخواهند خودشان را متحد نگه دارند؟! هان؟! این بمب اتم که بیشتر از همه دردی بجان خودشان خواهد شد. بهرحال خیلی ممنون مینا احدی عزیز و امیدوارم که بعد از هزار و چهارصد سال همه دست بدست هم یک انقلاب باشکوهی سازمان دهیم و یک کاری بکنیم و جامعه ایران را جامعه ای مرفه و شاداب بسازیم که اینها هم بعد از این ۱۴ قرن یکذره به تمدن برسند.

زن جوانی از ایران

جمهوری اسلامی را باید منزوی کنیم

سلام خانم احدی عزیز. من خواستم جواب آن چند نفری را بگویم که آمدند از رژیم دفاع کردند. جمهوری اسلامی را بخاطر اینکه کودک آزار است بخاطر اینکه زن ستیز است بخاطر اینکه فقر و بیچارگی سازمان داده است و بخاطر اینکه میلیونها بیکار و میلیونها معتاد براه انداخته است و بخاطر آوار تایید جنسی و بخاطر صدهزار اعدام و جنایاتش باید منزوی کنیم. خسته

نباشید خداحافظ.

جوان افغانستانی از ایران

ما میوه و گوشت ارزان برای چی میخواهیم؟!؟

سلام خانم احدی. من میخواهم از آن خانمی که از احمدی نژاد تعریف کرد دفاع بکنم. خب اینها راست میگویند ما انرژی هسته ای میخواهیم نه برق! ما میوه میخواهیم برای چی و گوشت ارزان برای چی میخواهیم و تحصیلات برای چی! مگر احمدی نژاد آدم بدیست! این آقای رئیس جمهوری گفتند که ما خوشبختی میخواهیم من نمیدانم که درک ایشان از خوشبختی چی است نمیدانم شاید از دید ایشان فقر خوشبختی است و فسادشان و دزدی و چپاولها و آیت الله های میلیاردرشان همان خوشبختی مورد نظر اینهاست. شاید از دید اینها بیکاری و اینهمه اعتیاد و اینهمه جنایت علیه مردم و زنان و جوانان خوشبختی است و ما آزادی برای چی میخواهیم!! نه کور خواندید شما فقط بیایید از این تلویزیون خودتان را بی آبروتر و رسواتر بکنید و جهانیان هم شما را بیشتر و بهتر بشناسند. بله در برابر اینهمه جوان و زن و کارگر و مردمی که زنگ میزنند و نمیخواهند سر بتن این رژیم باشد شما چند نفر طرفدار و مزد بگیر رژیم هم بیایید زنگ بزنید تا این مسئولان حقوق بشر بیشتر ببینند که اکثر این جوانان و زنان و مردم ایران چه میگویند و این تعداد مزد بگیر و نان بخور جمهوری اسلامی چه میخواهند. باباجان دیگر دور شما بسر رسیده و چندان زمانی برای عمر شما باقی نمانده که همین جوانان و زنان و کارگران و مردم شریف و باشعور ایران دست بدست این کانال و این حزب بدهند و بساط حکومت جنایتکار شما را برای همیشه جارو کنند. تشکر از شما خانم احدی.

جوانی از ایران

هم جمهوری اسلامی را دیده ایم هم دموکراسی آمریکایی را!

سلام خانم احدی. به یمن تلاشهای شما جمهوری اسلامی تا حد زیادی منزوی شده اما باید سرنگونش کنیم. مردم ایران بغیر از انقلاب راه دیگری ندارند و اوضاع جامعه روزبروز دارد بدتر میشود. یکروزی

علیه راسیسم، علیه اسلام سیاسی شهر کلن آلمان، صحنه یک نبرد مهم اجتماعی و بین المللی

راسیستها و "کنگره ضد اسلام" آنها و در عین حال اعتراضی بهمان شدت و حدت علیه اسلام سیاسی، جمهوری اسلامی ایران و سازمانهای ریز و درشت اسلامی در آلمان و به تبع آن در اروپا و در همه دنیا است. این یک زور آزمایی مهم در دو هفته آینده در کلن آلمان است.

روزهای ۱۹ تا ۲۱ ماه سپتامبر قرار است راسیستها از سراسر اروپا در شهر کلن تجمع کنند و کنگره ای را با عنوان "کنگره علیه اسلامیزه شدن" برگزار کنند. در این کنگره از ژان ماری لوپن فرانسه گرفته تا رئیس حزب "اف پ او" در اطریش تا راسیستهای ایتالیا و بلژیک قرار است حضور داشته باشند و سخنرانی کنند. اعلام خبر برگزاری این کنگره با موجی از اعتراض در آلمان و اروپا مواجه شده است. احزاب دولتی و اپوزیسیون در آلمان و همچنین اتحادیه های کارگری، انجمن های دانش آموزی و جریانات اسلامی و ... در اعتراض به راسیسم و علیه این کنگره

سه روز دیگر کنفرانس جبهه سوم، در شهر کلن آلمان برگزار میشود. جمعه ۱۲ سپتامبر در کلن آلمان رالف جردانو شخصیت سرشناس آلمانی، مینا احدی مسول شورای اکس مسلم آلمان و همچنین هارتموت کراوس سردبیر نشریه "هیتر گروند" سخنرانی خواهند کرد. روز دوشنبه سایت پر بیننده اومانیستها در آلمان خبر برگزاری کنفرانس نیروهای اومانیست، آنتیست و چپ علیه جریانات راست را منعکس کرد. خبر برگزاری این کنفرانس چند ساعت بعد از این اطلاعات مطبوعاتی در رسانه های متعددی منعکس شد. از جمله تیتراهایی که روزنامه های آلمانی در معرفی این کنفرانس زده بودند، این بود، "منتقدین اسلام علیه کنگره ضد اسلام راسیستها"، "منتقدین اسلام، راه سوم را معرفی میکنند"، "جبهه سوم در مقابله با اسلام و راسیسم، به چه معنی است" و ...

کنفرانس ما اعتراضی علیه

از صفحه ۷ صدای مردم در کانال جدید ...

دست بدست این حزب بتوانیم به بهترین وجهی و با خونریزی کمتری جمهوری اسلامی را بیاندازیم و دنیای بهتری و زندگی آزاد و برابری را برای این جامعه و این مردم که بسیار هم مردم و جامعه لایق و شایسته ای است برقرار کنیم. جوانی از ایران

بود که این بنزین سهمیه بندی نبود و حتما فردا نیازهای اساسی مردم مثل برق و گاز و غیره از اینهم هم بدتر خواهد شد. الان دارند سوسیدها را هم قطع میکنند و ما کلا جمهوری اسلامی را دیده ایم که چه رژیم جانی و جنایتکاری هست. ما دمکراسی آمریکایی را هم دیده ایم که همین سالهاست چه به روز مردم عراق و افغانستان میاورد. بنظر من این جامعه چاره ای جز انقلاب ندارند و بنظر من مردم باید رهبر خودشان را انتخاب کنند و توی اپوزیسیون رهبرشان را انتخاب کنند و بنظر من حزب کمونیست کارگری شایستگی رهبری مردم ایران را دارد و از مردم ایران میخوام که برنامه دنیای بهتر این حزب را بخوانند و برنامه های این کانال را دنبال کند تا

بردارند و تترسند. ما میبینیم که نجات کبری رحمانپور و افسانه نوروزی و نازنین فاتحی حاصل یک تلاش بین المللی است که جمهوری اسلامی را در سطح بین المللی رسوا کرده و در انزوا قرار داده و تلاش کرده که در ابعاد جهانی یک نیروی متشکلی را سازمان دهد و افکار آزادیخواهی را بطرف منع اعدام و سنگسار و جنایت علیه بشریت برگرداند. من فکر میکنم تلاش برای افشا و اخراج جمهوری اسلامی از سازمان کار جهانی دست کارگر را برای مبارزه متحدرت علیه جمهوری اسلامی باز میکند و نترسی و قوت قلب جنبش کارگری تقویت میشود برای اینکه میبینند که در سطح جهانی دارند از مبارزات آنها حمایت میکنند. من فکر میکنم که سازمانهایی که در داخل ایران هستند و میخوانند زن را نجات

علیه راسیسم، ولی همسویی و یا سکوت در مقابل اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی ایران و جنبش اسلامی را می بینید. این اوضاع واقعی در بین چپها و سبزها و بسیاری از سازمانهای مدافع حقوق بشر در اروپا است. همسویی با سازمانهای اسلامی و یا رژه رفتن زیر پرچم های حزب الله و جمهوری اسلامی و... در برلین و استکهلم و لندن را در جریان اعتراضات علیه جنگ و جنبش ضد جنگ دیدیم. همین همسویی جنبش ضد جنگ را عقیم کرد و باعث از بین رفتن نیروی زیادی شد.

اکنون در کلن آلمان قرار است یک بار دیگر این صف "چپ" و "ضد راسیست" همسو با اسلامیهها و جریانات ارتجاعی اسلامی علیه راسیسم اروپایی اعتراض کنند!؟ این موضوعی است که ما آنتیستها، اومانیستها و چپهای مدرن و کمونیست کارگريها به آن معترضیم و صف سومی را در مقابل راسیسم اروپا محور و راسیسم اسلامی قرار داده ایم. کنفرانس روز ۱۲ سپتامبر در

کلن علیه هر دو ارتجاع راسیستی و در نقد جریانات چپ سنتی سازماندهی شده است. سازمانهای جنبش اسلامی و راسیسم و فاشیسم، از یک آبشخور تغذیه میکنند و بسیار شبیه هم هستند، ضدیت با انسان، سرکوب منتقدین و قتل و جنایت، در پرونده هر دوی این جنبش ها ثبت شده است. نمیتوان در اروپا در مقابل راسیستها به خیابان آمد، و هر زمان که حرف قتل ناموسی، ازدواج اجباری، قوانین شریعه و یا کاریکاتورها و فتوای قتل منتقدین است، زیر آبی رفته و لام تا کام حرف نزد. "چپ" در اروپا چنین وضعیتی دارد و ما به این سکوت و مماشات و این همسویی مشمتر کننده با جنبش کثیف وانسان ستیز اسلامی معترضیم.

خبر کنفرانس روز ۱۲ سپتامبر در نقد دو ارتجاع و اعلام موضع ما در مورد این واقعه با انعکاسی گسترده مطبوعاتی مواجه شده است.

شورای مرکزی سازمان اکس مسلم- آلمان
۹ سپتامبر ۲۰۰۸

یک دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید و در سطح وسیع توزیع کنید

پیشروی مبارزات مردم را هم سرعت بخشد و قوت بخشد و مردم بتوانند حرفشان را بزنند و کارگر و زن هم بتواند با شجاعت و امنیت بیشتر مبارزاتش را پیش ببرند. با تشکر و خسته نباشید از فعالیتهای شما. یک فعال کمونیست کارگری از ایران*

بدهند و میخوانند کودک را نجات بدهند و تمام کارگران و جوانان و مردم ایران را از این وضعیت فلاکتبار نجات دهند اینها میتوانند به تمامی سازمانهای بشر دوست نامه بنویسند. ما همین هفته پیش دیدیم که هزاران خانواده ای که جمهوری اسلامی در سال ۶۷ فرزندانانشان را قتل عام کرد چگونه متحد شدند و چگونه یاد فرزندان و اعضای خانواده و عزیزان خودشان را گرمی داشتند و چگونه هر ساله همین مراسم را برگزار میکنند و اینها میتوانند برای سازمانهای بشر دوست نامه بنویسند و برای مجازات سران حکومت اسلامی از این نهادهای بین المللی کمک بخواهند و همه اینکارها میتوانند جمهوری اسلامی را بیشتر و بیشتر در تنگنا و فشار قرار دهد و

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم
و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

اطلاعیه در مورد تحویل اردوگاه مجاهدین به دولت عراق

سرنوشت نیروهای سازمان مجاهدین خلق مستقر در قرارگاه اشرف عراق از هفته گذشته تغییر کرده و اکنون نیروهای این سازمان در معرض خطر تحویل به جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. کنترل این قرارگاه که از زمان اشغال عراق در دست نیروهای ارتش آمریکا بود اکنون به دولت عراق واگذار شده است. چنین به نظر میرسد دولت‌های آمریکا و عراق و جمهوری اسلامی بر سر سرنوشت اعضای مجاهدین در عراق دست به معامله کثیفی زده اند و این احتمال وجود دارد که آنها را بدست جلاخان رژیم اسلامی

مجاهدین را از عراق اخراج کند. حزب کمونیست کارگری هرگونه بند و بست و معامله بر سر سرنوشت مجاهدین و هر نوع اعمال فشار بر نیروهای این سازمان که در خاک عراق بعنوان اسیر جنگی به آنها برخورد میشود را قویا محکوم میکند. هیچ نوع اختلاف سیاسی با سازمان مجاهدین و نقش سیاست‌های رهبری مجاهدین در ایجاد مخمصه کنونی، که ما قبلا درباره آن هشدار داده ایم، نباید بر تلاش برای جلوگیری از تحویل اعضای مجاهدین به جمهوری اسلامی و

دست اندازی دولت عراق و باندهای وابسته به جمهوری اسلامی به سرنوشت آنها سایه بیندازد. مستقل از سیاست‌های فرقه ای و باند سیاهی سازمان مجاهدین، باید در مقابل خطری که جان اعضای این سازمان را تهدید میکند دست به اعتراض زد. نباید اجازه داد که با مجاهدین همچون اسیران جنگی معامله کنند. اعضای سازمان مجاهدین، بعنوان اپوزیسیون جمهوری اسلامی، باید از طرف سازمان ملل و دولت‌های پناهنده پذیر بعنوان پناهنده سیاسی پذیرفته شوند و به

هرکشوری که مایلند منتقل شوند. حزب کمونیست کارگری برای جلوگیری از معامله بر سر نیروهای اپوزیسیون، برای ممانعت از تحویل احتمالی آنها به جمهوری اسلامی و برای نجات اعضای سازمان مجاهدین که در چنگال نیروهای ارتجاعی در عراق گرفتار آمده اند با تمام قوا تلاش میکند و همه احزاب و سازمان‌های مترقی و انساندوست را فرامیخواند که برای نجات اعضای سازمان مجاهدین تلاش کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ شهریور ۱۳۸۷ - ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۸

تظاهرات و تجمع ۷۰۰ نفر از کارگران لوله سازی خوزستان

کارگران لوله سازی خوزستان در ادامه اعتراضات و مبارزات خود برای گرفتن دستمزدهای پرداخت نشده خود امروز دست به راهپیمایی در مرکز شهر زدند. بنا به گزارش رسیده به حزب کمونیست کارگری کارگران این شرکت از ساعت نه صبح امروز یکشنبه ۱۷ شهریور در خیابان نادری تجمع کردند و از آنجا به طرف خیابان طالقانی که محل دفتر شرکت لوله سازی است راهپیمایی کردند. شمار کارگران تظاهر کننده ابتدا حدود ۳۰۰ نفر بود و در حین راهپیمایی با پیوستن تدریجی سایر کارگران این شرکت، به ۷۰۰ نفر رسید. کارگران در مقابل ساختمان ۱۰۰۱ که محل دفتر شرکت است تجمع کردند و با شعار دادن خواسته‌های خود را فریاد زدند. کارگران شعار میدادند "پاسخ ما را بدهید"، "مرگ بر ظالم"، "بازم پول مارو خوردن، کارگرا گشنه مردن".

شماری از خانواده‌های کارگران نیز در تجمع اعتراضی روز یکشنبه شرکت داشتند. نیروهای انتظامی کارگران را محاصره کرده بودند و مانع پیوستن مردم به آنها میشدند. یکی از همسران کارگران که مشغول فیلمبرداری از صحنه اعتراض بود مورد حمله نیروهای انتظامی قرار گرفت و مامورین جمهوری اسلامی دورین او را گرفتند. این حمله با اعتراض شدید کارگران مواجه شد. بسیاری از مردم در پیاده روهای اطراف تجمع کرده بودند و با تکان دست و ابراز حمایت، همبستگی خود را با کارگران نشان میدادند. با ادامه تجمع و شعار دادن کارگران، وکیل مدیر شرکت و یک سرهنگ فرمانده نیروهای انتظامی به میان کارگران آمدند و قول دادند تا دو روز دیگر طلبهای کارگران پرداخت خواهد شد و اعلام کردند که مدیریت ادامه کاری کارخانه و

اشتغال کارگران را تضمین خواهد کرد. کارگران اعلام کردند که اگر این وعده‌ها عملی نشود دوباره در ابعاد گسترده تر دست به تجمع و اعتراض خواهند زد و به تجمع خود پایان دادند. کارگران قراردادی لوله سازی خوزستان ۶ ماه و کارگران رسمی ۴ ماه است که دستمزد نگرفته اند. بنا به این گزارش مدیریت شرکت با خواست بازنشستگی دویست نفر از کارگران این شرکت که در سن بازنشستگی هستند، موافقت نکرده است و این موضوع نیز مورد اعتراض کارگران است. کارگران لوله سازی اهواز تا کنون به اشکال مختلف به وضعیت ناروشن کار خود و عقب افتادن دستمزدهایشان اعتراض کرده اند. به مقامات مختلف دولتی از جمله وزیر صنایع و معادن و استاندار و احمدی نژاد و غیره نامه داده اند و

لی هیچگونه پاسخی نگرفته اند. هم اکنون دو ماه است که کارخانه به حالت نیمه تعطیل در آمده است و کارگران نگران از دست دادن کار خود هستند. کارگران خواهان دستمزد های پرداخت نشده خود و راه اندازی کارخانه هستند. حدود دو سال است که حتی عیدی سالانه کارگران پرداخت نشده است. کارگران میگویند که بدلیل اینکه حقوقهایشان پرداخت نشده است حتی نتوانسته اند فرزندانشان را در مدرسه ثبت نام کنند. کارگران اعلام کرده اند که تا وقتی به خواسته‌هایشان پاسخ داده نشود به اعتراضشان ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری از خواسته‌ها و اعتراضات کارگران لوله سازی خوزستان قاطعانه حمایت میکند و از همه کارگران و مردم بویژه مردم اهواز میخواهد که

فعالانه از مبارزات کارگران پشتیبانی کنند. نیرداختن دستمزد کارگران که فشار زیادی را بر خانواده های کارگری گذاشته است يك عمل جنایتکارانه است و رسماً جرم محسوب میشود. حزب از کارگران لوله سازی خوزستان میخواهد که به اعتراضات خود ادامه دهند و از هم اکنون با تشکیل مجمع عمومی با شرکت همه کارگران، قول و قرار چگونگی ادامه مبارزه در صورت عملی نشدن وعده های مدیریت را بگذارند. با حفظ اتحاد و فضای اعتراض و تجمع همه کارگران و شرکت وسیع خانواده های کارگری است که میتوان مدیریت و مقامات حکومت را ناچار به گردن گذاشتن به خواسته‌های کارگران کرد.

آزادی برابری حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ شهریور ۱۳۸۷ - ۷ سپتامبر ۲۰۰۸

اعتراضات معلمان آغاز می شود

طبق اخبار رسیده، معلمان در بسیاری از شهرها خود را برای برگزاری مراسم روز جهانی معلم در روز ۱۳ مهر (۵ اکتبر) آماده میکنند. کانون صنفی معلمان نیز طی اطلاعیه ای اعلام کرده است که تقاضای مجوز راهپیمایی روز جهانی معلم را به وزارت کشور ارسال کرده است. بر اساس اخبار قبلی کانون صنفی، بسیاری از

کانونهای شهرها و استانهای مختلف از جمله یزد، همدان، شیراز، کردستان، مشهد، اصفهان، اردبیل، ... برای برگزاری روز جهانی معلم اعلام آمادگی کرده اند. طی سالهای اخیر معلمان بارها به شرایط مشقت بار زندگی خود اعتراض کرده اند و جمهوری اسلامی هر بار جواب خواسته های بر حق آنان را با تهدید، زندان و اخراج

داده است. رژیمي که سالیانه میلیاردها دلار خرج حوزه های علمیه، اشاعه خرافات و لغت و لیس خودی ها میکند، از تامین ابتدائی ترین نیازهای معلمان خودداری میکند. لغو احکام صادره علیه معلمان و لغو حکم اعدام فرزند کمانگر و آزادی او، افزایش حقوقها برای یک زندگی انسانی، حل مشکل مسکن

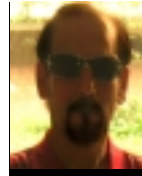
و استخدام رسمی معلمان حق التدریس، از جمله خواسته‌های مهم معلمان سراسر کشور است که تنها با اعتراضات متحدانه و سراسری قابل تحقق است. ۱۳ مهر امسال فرصتی است که معلمان در سراسر کشور به میدان بیایند و با قدرت برای تحقق مطالبات بحق خود دور جدیدی از مبارزه را شروع کنند. اعتصابات و تجمعات قدرتمند معلمان در سالهای گذشته نقش مهمی در ارتقای مبارزه مردم علیه جمهوری

اسلامی و رادیکال شدن مبارزه آزادیخواهانه مردم داشته است. حزب کمونیست کارگری از اعتراض و خواست های بحق معلمان قاطعانه دفاع میکند و تمامی کارگران، دانشجویان و دانش آموزان را فرا می خواند با شرکت در اعتراضات معلمان از خواسته های آنان حمایت کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ شهریور ۱۳۸۷، ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۸

در حاشیه رویدادها

محمد رضا پویا



پروژه "مخملی" اکبر گنجی شانس برای پیروزی ندارد!

اخیرا اکبر گنجی، در کتابی بنام "راه دمکراسی در ایران" با رجعت به تز مشعش انقلاب خشونت آمیز است، بار دیگر بر تغییرات از بالا و بدون دخالت مردم تأکید کرده است و در مصاحبه‌ای با رادیو فردا که به مناسبت انتشار همین کتاب انجام داده است، از سیاستهای پنتاگون در عدم حمایت عملی از جنبش "اصلاحات" و تغییرات آرام و مخملی در ایران، گلّه گذاری کرده است. مکان سیاسی کنونی اکبر گنجی صرف نظر از اینکه چه گفته است، نتیجه مصاف جنبش سرنگونی طلب مردم با رژیم اسلامی است، و آینه تمام قد از انعکاس شرایط جنبشی است که در تقابل با نه تا به آخر مردم و توقعات بالای جامعه، شکست خورده و به حاشیه کشیده شده است.

با تعمیم و گسترش جنبش سرنگونی و شکست دوم خرداد، تعدادی از عناصر این جبهه با امید بستن به طرح "رژیم چنج" و انقلاب "مخملی" آمریکا، سفره خود را از پروژه به بن بست رسیده و شکست خورده "اصلاح از درون" رژیم اسلامی جدا نمودند و به جنبش پرو غرب پیوستند. این تغییر ریل قبل از آنکه تفاوتی در سیاست را بیان کند؛ بیشتر گواه وجود بستر مشترک دوم خرداد و جنبش پرو غرب در تقابل با اوج گیری رادیکالیسم در جنبش سرنگونی بوده که خود موجب شده است این دو جنبش در بسیاری از عرصه ها سیاست واحدی را اتخاذ کنند. اکبر گنجی به آن بخشی از جنبش ملی-اسلامی متعلق بود که در دوره ای برای نجات رژیم، با سناریوی "اصلاح" رژیم و وعده تغییرات از بالا، تلاش میکردند مبارزه مردم بر علیه کلیت نظام را سرکوب و به شکست بکشاند. کل این پروژه شکست خورد و این طیف،

غرب و پیشروی و رشد جنبش سرنگونی، طرح راست برای پیشبرد انقلاب مخملی را به بن بست و شکست کشانید. رشد چپگرایی و نفوذ کمونیسم کارگری راه را بر تقلا راست برای حاکم نمودن افق خود بر اعتراضات مردم بست و اجازه نداد دوم خرداد و هواخواهان تغییرات "مخملی" در صفوف سلطنت طلبان و جمهوری خواهان با ایجاد مانع، جنبش سرنگونی را در ایستگاه اسلام "میان راه" و حقوق بشری و یا مدل حکومتی نظم نوینی، متوقف سازند. نتایج این تقابل بزودی روشن گردید. مردم از دوم خرداد عبور کردند و طرح فرامندم راست خارج از حاکمیت با اعتصابات کارگری و اعتراضات خیابانی مردم؛ با شعار آزادی، برابری و برافراشتن پرچمهای سرخ، پاسخ گرفت.

نقل مکان کردن گنجی به جنبش پرو غرب در نتیجه همین شکست صورت گرفته است. گنجی میخواست در معیت سلطنت طلبان، جمهوری خواهان و طیف مغضوب شده ملی-اسلامی خارج حکومت، اینبار شانس خود را برای "تغییرات تدریجی" بیازماید.

اکبر گنجی در کتاب راه دمکراسی در ایران با اشاره به همین "تغییرات تدریجی" میگوید که: "انقلاب در ایران پر هزینه و بدون فایده است و راه اصلاحات تنها با مبارزه پیگیر، تدریجی و غیر خشونت آمیز میسر است." و در مصاحبه اش از امریکا بخاطر عدم حمایت عملی از "جنبش دمکراسی خواهی و اصلاح طلبی" انتقاد میکند. ایشان میگوید: "آن چیزی که در مورد دولت ایالات متحده، بنده مدعی شدم، این است که اساسا در عمل، حمایتی نبوده که از جنبش دمکراسی خواهی ایران صورت گرفته باشد و آن چیزهایی هم که ادعا شده، ادعاهای بدون مبنا است و فقط یک سری الفاظی به کار رفته، که آن الفاظ، بیش از این که سودی داشته باشد، برای جنبش دمکراسی خواه ایران، زبان در پی داشته است" و در پایان برای اینکه همه متقاعد شوند که به غیر از جنبش ادعایی ایشان، نیروی دیگری وجود خارجی ندارد، مدعی میشود که در مقابل رژیم اسلامی "اپوزیسیونی" وجود ندارد؛ "آن چیزی

که الان هست، صرفا ادعا است، ادعای این که اپوزیسیون وجود دارد، ولی واقعیت مطلب این است که، اپوزیسیونی که منتهی به عمل شود، اصلا وجود خارجی ندارد." اکبر گنجی که خود تا دیروز بعنوان عامل رژیم اسلامی در سازماندهی یکی از جنایتکارترین رژیم های قرون گذشته، شریک بوده است و با سرکوب مردم در حاکم نمودن ضد انقلاب اسلامی، مستقیما دست داشته است، امروز بیرق "اپوزیسیون" صلح طلب و ضد "خشونت" را بدست گرفته است و قربانیان دیروز خود را که خواهان تغییرات بنیادی و سرنگون کردن تمام کمال رژیم اسلامی هستند، خشونت طلب می نامد. اکبر گنجی خود شریک جنایات و خشونت بی مرز رژیم اسلامی است که تا امروز هم حاضر نشده است هیچ بخشی از جنایاتی که خود شاهد و شریک آن بوده، افشا نماید. "خشونت" گریزی امروز اکبر گنجی اسم رمز مخالفت او با عمل انقلابی مردم است، "خشونت گریزی" او و کل طیف راست، پرچمی است که تلاش میکند از ورود مستقیم مردم به صحنه سیاست، از خواست مردم برای زیر و رو کردن کل نظام اسلامی، جلوگیری نماید. در پشت "خشونت گریزی" اکبر گنجی، قتل عام بیش از صدها هزار انسان آزادخواه خوابیده است که به رژیم اکبر گنجی ها نه گفته بودند. وحشت از انقلاب همین مردم و بن بست های رژیم اسلامی موجب شده است اکبر گنجی از سیاستهای دولت امریکا انتقاد نماید. گلّه مند است که چرا حمایت های عملی از جنبش ایشان به عمل نیآورده است، معترض است که چرا حمایتها در سطح حرف و اعلام حمایتهای سیاسی خشک و خالی باقی مانده است؟ میگوید در عمل کاری نکردید، اعلام حمایت هایتان هم موجب دردسر شده است. تحرك مجدد دوم خرداد حول "انتخابات" ریاست جمهوری، از لحاظ سیاسی اکبر گنجی را به همان نقطه ای بازگردانده است که موجب نقل مکان ایشان به جنبش پرو غرب گردید. بدین معنا که او معتقد است که جنبش دوم خرداد در عین حال که یکی از پایه های تغییر در جامعه است اما به تنهایی نمیتواند امر "اصلاحات" را به پیش ببرد. "جنبش دمکراسی خواهی و جنبش

اصلاح طلبی" اکبر گنجی که قرار است بشکل "تدریجی و پیگیر" رژیم اسلامی را تغییر دهد، بیان سیاسی نزدیکی طیف هایی از جنبش دوم خرداد و جنبش پرو غرب است که با "حمایت های عملی" امریکا می خواهند پروژه های مخملی را در ایران به پیش ببرند. اکبر گنجی برای خلاص کردن تئوری های خود از وجود چپ جامعه و جنبش سرنگونی، با یک چرخش قلم، اپوزیسیون رژیم اسلامی (که منظور ایشان اپوزیسیون چپ و مشخصا حزب کمونیست کارگری است، زیرا که بقیه اپوزیسیون اعم از سلطنت طلب، جمهور خواه، توده ای و اکثریتی، در طرح مخملی ایشان میگنجد) را خط میزنند تا حامیان "مخملی" را متقاعد سازد که طرح ایشان با حمایتهای "عملی" و بدون مخالفت به پیش خواهد رفت. اولاً که رژیم اسلامی و "بیت آقا" خود دکترای سازش و مذاکره با امریکا را مدتهاست دریافت کرده اند. دارند مستقیم به غرب پیام میدهند که ما حاضریم. میگویند چرا در بیرون بدنبال یلتسین میگردید؟ اما همان عاملی که ادامه جنگشان را به بن بست رسانده است، سازش آنها را هم به همان سرنوشته دچار ساخته است.

ثانیا، جامعه از طرح های مخملی آقای گنجی و کل طیف راست عبور کرده است. مردم از مطالبات خود که امروز علی العموم و در همه عرصه ها بیان چپ بخود گرفته است، کوتاه نخواهند آمد. حزب کمونیست کارگری با زور و ضرب همین مردم اجازه نخواهد داد در این کشور "اسلام خوش خیم و حقوق بشری" اینبار میداندار شود و سی سال دیگر زندگی میلیونها انسان را به تباهی بکشاند، جنبش کمونیسم کارگری و حزیش اجازه نخواهد داد جامعه ایران را به آزمایشگاه "دولت های موزاییکی" دست ساز غرب تبدیل نمایند، اجازه نخواهد داد از فراز سر مردم، قومیت و ملیت را در این کشور مبنای حکومت سازند. طرح مخملی اکبر گنجی چه در بسته بندی پرو غریبش و چه در اتحاد "تخبگان" دوم خرداد با جنبش پرو غرب، شانس برای پیروزی ندارد. *